

سرشناسه:	خسروی‌راد، محمد، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور:	شرح آسمان: زندگینامه، خاطرات و شرح رشادت‌های
خلبان بسیجی شهید ابراهیم (حجت) فخرایی / نوشته محمد خسروی‌راد.	
مشخصات نشر:	مشهد: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد،
انتشارات:	بوی شهر بهشت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۴۳۲ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۳۵۵-۵۵-۶ ۲۴۰،۰۰۰ ریال
وضعیت:	فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع:	فخرایی، ابراهیم، ۱۳۴۲-۱۳۶۵. - دوستان و آشنایان - خاطرات
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان - سرگذشت‌نامه
موضوع:	شهیدان - ایران - یازماندگان - خاطرات
شناسه:	افزوده: سازمان فرهنگی تفریحی
شهرداری:	مشهد، انتشارات بوی شهر بهشت
رده‌بندی:	کنگره: ADSR/۱۶۲ خ ۵ ش ۴ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیوینی:	۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۰۷۱۷۸



انتشارات بوی شهر بهشت

شرح آسمان

زندگی‌نامه، خاطرات، جوانبازی‌ها و رشادت‌های
خلبان بسیجی شهید ابراهیم (حجت) فخرایی

نویسنده:	محمد خسروی‌راد
طراح گرافیک:	سودا بزردار
ناشر:	بوی شهر بهشت
ناظر فنی چاپ:	الیاس ناصری‌پوریزد
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۹۴
شمارگان:	۳۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۷۰-۰۵۵-۰
قیمت:	۲۴۰،۰۰۰ ریال
آدرس:	مشهد، میدان
	امام حسین، خواجه ربیع ۷
	انتشارات بوی شهر بهشت
تلفن:	۳۷۴۲۹۲۲۵

www.shahrebehesht.ir
www.ketab.ir/boyeshahrebehesht

فهرست

کلام نخست • ۱۳

فصل اول • ۱۷

موتورسیکلت • ۱۸

مشتی شکلات • ۲۲

کشتی • ۲۴

بای خوی خطی! • ۲۷

سگ • ۲۹

انونی • ۳۳

ناموس • ۳۶

برادری • ۳۹

کشتی در آسمان • ۴۱



فصل دوم. ۴۵

عصاره. ۴۶

هشتاد و پنج. ۵۰

«آلفا»یی. ۵۲

گراند اسکول. ۵۴

هوای عمود. ۵۶

کلاه ابراهیم. ۵۸

پیوند. ۶۳

دویدن و دیگر هیچ! ۶۶

سلام. ۷۰

سرآمد. ۷۲

همه سی و شش نفره. ۷۴

رفیق باز. ۷۷

معجزه. ۷۹

وقت خدمت. ۸۱

صابون. ۸۵

غیر. ۸۸

وفاداری. ۸۰

جذب. ۹۲

نقش برآب. ۹۵

پرواز روی زمین! ۹۸

حق کُشی. ۱۰۱

یک تنه. ۱۰۵

نرمش؛ هرگز. ۱۰۷

نایب الزیاده. ۱۱۰

فصل سوم. ۱۱۳

ستون‌های نظام. ۱۱۴

کشور کوچک. ۱۱۸

پوشش. ۱۲۱

همسایه. ۱۲۳

بهانه. ۱۲۵

تفنگ یا بیل؟. ۱۲۷

دست‌الهی. ۱۳۰

شور. ۱۳۳

فصل چهارم. ۱۳۷

مثل ابراهیم. ۱۳۸

یک دنیا جان‌فشانی. ۱۴۲

دو تکه پازل. ۱۴۵

برویم پیش فرمانده. ۱۴۹

بفرمایید پایین. ۱۵۲

آماده رزم. ۱۵۴

ان‌راچ کبری. ۱۵۷

شی. ۱۶۰

نو. ۱۶۳

بوسه امام. ۱۶۸

شاخ به شاخ. ۱۷۱

- تعارف • ۱۷۴
- گروه اسکورت • ۱۷۷
- پشتیبان اقتصاد • ۱۸۲
- بفرمایید کشور ما! • ۱۸۵
- طراحی در زمان ... • ۱۹۰
- ترمز • ۱۹۳
- حفاظت از نیروی دریایی • ۱۹۵
- نیروی خاص • ۱۹۹
- دندون قروچه کوسه ها • ۲۰۴
- عهد • ۲۰۸
- خودزنی • ۲۱۱
- لقمه از دست آقا • ۲۱۶
- نقطه رهایی • ۲۱۹
- تکیه گاه • ۲۲۲
- زدن به دشمن • ۲۲۵
- زبان گیر • ۲۲۹
- نظایر • ۲۳۳
- دارم! • ۲۳۷
- نور • ۲۳۹
- دقت • ۲۴۴
- سنگ تمام • ۲۴۹
- چرخش • ۲۵۱
- چرا دوتا؟ • ۲۵۴

- مثل بقیه • ۲۵۶
اجازه • ۲۵۹
ندیده • ۲۶۵
من خلیان بسیجی ام • ۲۶۸
«یا زهرا» از ته دل • ۲۷۰
درجه بسیجی! • ۲۷۳
مثل ابراهیم • ۲۷۵
حماسه • ۲۸۰
قیف انفجاری • ۲۸۳
وظیفه • ۲۸۶
بی همتا • ۲۹۰
بی باک • ۲۹۳
معرکه • ۲۹۶
بشارت • ۳۰۰
دگرگونی • ۳۰۳
بیش از حد جلو • ۳۰۶
نهایت تواضع • ۳۱۰
... برای ... • ۳۱۴
...؟ • ۳۱۶
در راه ... • ۳۱۸
... • ۳۲۰
همیشه زنده • ۳۲۲
عاقبت محتوم • ۳۲۴

فصل پنجم. ۳۲۷

سستی زانوان. ۳۲۸

محل حادثه. ۳۳۰

شفیع. ۳۳۳

پیش بینی. ۳۳۶

دختری که ندیدش. ۳۴۰

مجدوب. ۳۴۳

به دنبال بستنی. ۳۴۵

طفره. ۳۴۷

دختر، بابایی است. ۳۴۹

کجایی؟ ۳۵۲

باز هم دست خالی. ۳۵۴

داغ دل. ۳۵۸

جرات گفتن. ۳۶۱

من هم مثل بقیه. ۳۶۳

کتاب، افسر عراقی. ۳۶۶

پدر. ۳۶۸

پدر. ۳۷۳

پیکان کردستان. ۳۷۶

رفتند و ما ماندیم. ۳۷۹

از چشم برادر. ۳۸۵

ویک سپاس ویژه. ۳۹۶

متن وصیت نامه شهید. ۳۹۷

... یادها. ۴۰۹

کلام نخست

تصورش هم سخن و آشوب است؛ زمان شاه... در ارتش شاهنشاهی و در هوانیروز... یک دانشجوی خلبانی ایرانی به صورت استاد خلبان آمریکایی سیلی بزند... سیلی حکمی که صدایش همه جا بپیچد! سیلی به دلیل توهین استاد آمریکایی به یک دانشجوی ایرانی هم دوره‌ای! چنین انسانی می‌تواند شخصیتی به خود برده فرد داشته باشد. این طور نیست؟!

ابراهیم (حجّت) فخرایی، یکی از شهدای شاخص دفاع مقدس است. تنها و تنها همین یک حرکتش در دوران آموزشی خلبانی، می‌تواند برای یک نویسنده آن قدر جذابیت و کشش داشته باشد که

و اداری شود به هزارتوی ابعاد مختلف و ویژه‌گی‌های شخصیتی او قدم بگذارد تا هم او را بهتر بشناسد و هم تلاش کند تا دیگران با چنین شخصیتی آشنا و به او نزدیک شوند و... با این حساب... مصمم شدم تا «تسخیر نگارش کتابی را درباره‌ی این شهید بزرگوار بپذیرم».

مواضعی که اصل ماجراهایش را در این کتاب خواهید خواند، این «بذری» را به «اشتیاق» تبدیل کرد. اشتیاقی که به جانم افتاد و هیچ چیز از گرفتاری‌های روزمره‌ی زندگی در این روزها بگیر تا نامهربانی‌های ریزه‌رشت خیلی‌ها، نتوانست شعله‌ی آن را بکاهد تا چه رسد به اینکه آن را فرو نشاند.

موضوعاتی مثل حکایت‌هایی بی‌نظیر جوانمردی‌های ابراهیم، صمیمیت‌ها و حالات معنوی‌اش، دفاع جانانه‌اش از مظلوم و ناتوان، ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی، حمایت از ناموس دیگران، جسارت و شجاعت در لحظات عمل و سخت‌نوشی به هنگام فراگیری، مهارت و تخصص‌های ویژه‌اش در پرواز در ارتفاع کم، حمله به دشمن از نزدیک‌ترین جای به ظاهر ناممکن و از جان‌گدشی‌های مثال‌زدنی‌اش، همه و همه نکاتی است که در حد بضاعت، تجربه‌هایی از آن را در این کتاب خواهید دید.

مداح، مجری و خواننده جماعت، اگر هزار بار هم روی صحنه و منبر بروند و اجرای‌شان موفق باشد، باز هم برای هزار و یکمین بار که می‌خواهند روی صحنه قدم بگذارند، دل توی دلش نیست و هزار

دغدغه و اضطراب و استرس رنگارنگ به سرش سرازیر می‌شود، اما همین‌که پایش را به صحنه و منبر می‌گذارد و ذکری را زیر لب زمزمه می‌کند که به آن اعتقاد دارد، همه چیز درست می‌شود و روبه‌راه. ما نویسندگان این چنین حال و روزی داریم؛ با این تفاوت که با قدم گذاشتن در مراحل اولیه نگارش کتاب، نه تنها همه چیز روبه‌راه نمی‌شود، حالات فرسایشی و جانکاه، لحظه به لحظه بیشتر و بیشتر می‌شود. این عقرریزی‌های روح تا آخرین لحظات نگارش کتاب ما رازها را می‌کند.

«شرح آسمان» اولین کتاب من در زمینه دفاع مقدس و شهدا نیست، اما مثل هر کتاب دیگری، روزهای نخستین کار برایم مشکلات خاص خودش را داشت. من به اینکه این بار قرار بود کاری را دست بگیرم که نویسنده ارجمند، به لای و مسائلی، از نگارش آن کنار گذاشته شده بود یا اثرش پذیرفته نشد.

من بودم و مقداری سند و مصاحبه بسته‌گریخته و افرادی که می‌توانستم و نمی‌توانستم به آن‌ها رجوع کنم! در این راه به جز لطف و عنایت حضرت حق تعالی و دلگرمی به گوش چشم از روح بزرگوار شهید، تنها یک همراه و حامی جدی با عزم راسخ داشتم؛ حاج ناصر فخرایی، یکی از برادران ابراهیم.

حضور حاج ناصر برای «شرح آسمان» مثل حضور یک تهیه‌کننده خوب و پیگیر برای یک فیلم سینمایی است. هر لحظه و هر جا که لازم

بود، در تک تک مراحل مختلف تحقیق و تألیف کتاب، همراهی اش را دریغ نکرد. البته حکایت پیگیری های بی مثالش هم بماند.... لازم است یادآور شوم؛ سرکار خانم هما خانی با صبوری و دقت و در راهی در مراحل مختلف تدوین و نگارش، با این کتاب همراهی بی دریغ داشته و حروف چینی کتاب نیز به عهده ایشان بود و در این میان زحمات آقای شیبانی همسر ایشان نیز ستودنی است. در مراحل بازنگری نهایی نیز دوست بزرگوار آقای ابوالقاسم علیزاده آغویی، با دقتی مثال زدنی، من را مورد لطف قرار دادند که از همه این بزرگواران سپاسگزارم.

محمد خسروی راد